

The impact of the federal structure on good governance in Iraq: An analysis of functions and problems

Mudar Daham Khalaf Saleh 1
Mohammad Sharif Shahi 2
Saad Abdullah Khalaf 3
Zeinab Pourkhaghan Shahrezaee 4

Received: 15 April 2025

Reception: 27 July 2025

Abstract

The federal structure as a system of government, especially in countries with ethnic and religious diversity such as Iraq, seeks to distribute power and resources between the central government and subordinate units. This system is designed to strengthen local identities and increase political participation of different social groups. Considering the conditions after the fall of Saddam Hussein's regime and the establishment of a new system, federalism is considered an opportunity to improve good governance. Good governance depends on factors such as transparency, accountability, participation, and social justice, which can be used as criteria for analyzing the effects of federalism in Iraq. Through federalism, it is expected that different ethnicities and religions can participate more effectively in decision-making processes, and thus strengthen the sense of belonging and trust between groups. Federalism in Iraq faces serious problems that affect its impact on good governance. Political corruption, weak oversight institutions, and ethnic and religious divisions are just some of the challenges that can prevent the realization of the positive results of federalism. The researcher in this study, using a descriptive-analytical method, has come to the conclusion that while federalism can act as a tool to strengthen good governance, it requires careful assessment and necessary reforms in administrative institutions and processes. Also, examining the existing goals and challenges can help to better understand the current situation and provide targeted solutions. In general, this analysis can help decision-makers and administrators in Iraq to use this system for the benefit of development and good governance by having a deeper understanding of the limitations and opportunities of the federal structure.

Keywords: Federal structure, good governance, 2005 Constitution, Iraqi legal structure.

1 PhD Student in Public Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2 Assistant Professor, Department of Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding Author)


3 Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Al-Iraqiyya University, Baghdad Province, Iraq (Second Supervisor)

4 Assistant Professor, Department of Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Advisor)



<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.517102.1273>

تأثیر ساختار فدرالی بر حکمرانی خوب در عراق: تحلیل کارکردها و معضلات

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶

مضر دحام خلف صالح 

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

محمد شریف شاهی سعد عبدالله خلف زینب پورخاقان شاهرضایی 

چکیده

ساختار فدرالی به عنوان یک سیستم حکومتی، به طور خاص در کشورهایی با تنوع قومی و مذهبی مانند عراق، به دنبال توزیع قدرت و منابع میان دولت مرکزی و واحدهای زیرمجموعه است. این سیستم به منظور تقویت هویت‌های محلی و افزایش مشارکت سیاسی گروه‌های مختلف اجتماعی طراحی شده است. با در نظر گرفتن شرایط پس از سقوط رژیم صدام حسین و تأسیس نظام جدید، فدرالیسم فرصتی برای بهبود حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود. حکمرانی خوب به عواملی چون شفافیت، پاسخگویی، مشارکت و عدالت اجتماعی بستگی دارد که می‌توانند به عنوان معیارهای تحلیل تاثیرات فدرالیسم در عراق مورد استفاده قرار گیرند. به واسطه فدرالیسم، انتظار می‌رود که اقوام و مذاهب مختلف بتوانند به طور مؤثرتری در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت کنند و به این ترتیب حس تعلق و اعتماد میان گروه‌ها تقویت شود. فدرالیسم در عراق با معضلاتی جدی مواجه است که بر اثرگذاری آن بر حکمرانی خوب تأثیر می‌گذارد. فساد سیاسی، ضعف نهادهای نظارتی، و تفرقه‌های قومی و مذهبی تنها برخی از چالش‌هایی هستند که می‌توانند مانع از تحقق نتایج مثبت فدرالیسم شوند. محقق در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به این نتیجه رسیده است در حالی که فدرالیسم می‌تواند به عنوان ابزاری برای تقویت حکمرانی خوب عمل کند، اما نیازمند ارزیابی دقیق و اصلاحات لازم در نهادها و فرآیندهای اداری است. همچنین بررسی اهداف و چالش‌های موجود می‌تواند به شناخت بهتری از موقعیت فعلی و ارائه راهکارهایی هدفمند کمک کند. به طور کلی، این تحلیل می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان و متولیان امور عراق کمک کند تا با درک عمیق‌تری از محدودیت‌ها و فرصت‌های ساختار فدرالی، از این نظام به نفع توسعه و حکمرانی خوب استفاده کنند.

کلیدواژگان: ساختار فدرال، حکمرانی خوب، قانون اساسی ۲۰۰۵، ساختار حقوق عراق.

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. mudher92dahham@gmail.com

استادیار گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). Dr.shahi@iau.ac.ir

استادیار گروه حقوق، دانشکده دانشگاه العراقیه استان بغداد، عراق (استاد راهنما دوم). shaadabdullahkhalaf@aliraqia.edu.iq

استادیار گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (استاد مشاور). Pourkhaghan@iau.ac.ir

ساختار فدرالی به عنوان یک الگوی مدیریتی، به شیوه‌ای برای تقسیم قدرت سیاسی و اداری میان دولت مرکزی و واحدهای فدرال یا ایالت‌ها تبدیل شده است. این الگو عمدتاً برای پاسخ به چالش‌های داخلی متنوع و برای مدیریت بهتر تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود. در کشورهایی مانند عراق که دارای تنوع گسترده‌ای از اقوام و مذاهب هستند، فدرالیسم می‌تواند ابزاری مؤثر در راستای تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز و توزیع قدرت سیاسی به شمار رود. با این حال، ظهور نظام فدرالی در عراق پس از سقوط رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳ موجب تحولات عمیق در ساختار حکمرانی کشور شد. حکمرانی خوب، به عنوان یکی از کلیدهای توسعه پایدار، شامل اصولی چون شفافیت، پاسخگویی، مشارکت و عدالت اجتماعی است که با اهداف فدرالیسم همخوانی دارد. انتظار می‌رود که ساختار فدرالی با توزیع مناسب و عادلانه قدرت و منابع، به ارتقای حکمرانی خوب در عراق کمک کند. این ساختار به گروه‌های مختلف اجتماعی و قومی اجازه می‌دهد که به طور مؤثری در فرآیندهای سیاسی و اقتصادی مشارکت نمایند و این امر می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی و کاهش تنش‌ها بیانجامد. با این حال، چالش‌های جدی نیز در راستای اعمال فدرالیسم در عراق وجود دارد. یکی از چالش‌های اساسی در ساختار فدرالی عراق، فساد نظام‌مندی است که می‌تواند بر کارکردهای حکمرانی خوب تأثیر منفی بگذارد. در واقع، بعضی نهادهای فدرالی در برابر فساد و سوءمدیریت آسیب‌پذیر هستند که منجر به توزیع ناعادلانه منابع و کاهش کیفیت خدمات عمومی می‌شود. علاوه بر این، ضعف نهادهای نظارتی و عدم شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری از دیگر مشکلاتی است که بر تأثیر مثبت فدرالیسم بر حکمرانی خوب در عراق سایه افکنده است. کشور عراق به عنوان یک جامعه چندقومیتی و چندمذهبی، با چالش‌های ویژه‌ای در راستای تعاملات اجتماعی و سیاسی روبه‌رو می‌باشد (فاضل فاضل، ۱۴۰۲: ۳۵). تضادهای قومی و مذهبی گاهی مانع از ایجاد فضای لازم برای حکمرانی خوب می‌شود و فدرالیسم به عنوان یک راهکار ممکن است به افزایش تفرقه یا برقراری تعادل بین گروه‌های مختلف دچار چالش شود. به همین دلیل، بررسی تأثیر ساختار فدرالی بر حکمرانی خوب در عراق امری ضروری به نظر می‌رسد. محقق در این مقاله تلاش دارد تا با تحلیل کارکردها و معضلات ساختار فدرالی در عراق، ابعاد مختلف این تأثیر را مورد بررسی قرار دهد. از سوی دیگر، بررسی دقیق‌تری از تحقق حکمرانی خوب تحت تأثیر فدرالیسم و چالش‌هایی که این روند با آن مواجه است، صورت می‌گیرد. در این راستا، با ایجاد یک نمای کلی از اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق و تحلیل تجربیات واقعی از مدیریت فدرالی، تلاش خواهد شد تا درک بهتری از پدیده حکمرانی خوب و ارتباط آن با فدرالیسم به دست آورده شود. با شناسایی نقاط قوت و ضعف ساختار فدرالی در عراق، مقله به دنبال ارائه راهکارهایی خواهد بود که بتوانند فرایند حکمرانی خوب را تقویت کنند. امید است که یافته‌های این تحقیق بتوانند به تصمیم‌گیرندگان و فعالان سیاسی

عراق کمک کنند تا با درک بهتری از واقعیت‌های پیچیده موجود، راه‌حل‌هایی بهتر برای بهبود وضعیت حکمرانی و مدیریت توسعه در کشور ارائه دهند. با توجه به چالش‌هایی که بر سر راه حکمرانی خوب وجود دارد، این مقاله می‌تواند مقدمه‌ای برای پیشبرد گفتگوهای علمی و عملی در زمینه فدرالیسم و حکمرانی خوب در عراق باشد.

۱- بررسی چارچوب نظری

چارچوب نظری یک تحقیق به عنوان پایه و اساس تئوریک آن عمل می‌کند و به عنوان بستری برای تحلیل داده‌ها و رویدادها استفاده می‌شود. در این بخش، دو مفهوم کلیدی یعنی فدرالیسم و حکمرانی خوب بررسی خواهد شد؛ مفاهیمی که به‌طور مستقیم با تحلیل تأثیر ساختار فدرالی بر حکمرانی خوب در عراق مرتبط هستند:

۱-۱- فدرالیسم

مبحث فدرالیسم به عنوان یک سیستم حکومتی، نقش مهمی در توزیع قدرت و منابع در میان واحدهای مختلف یک کشور ایفا می‌کند. این سیستم معمولاً در دولت‌های چندملیتی یا کشورهایی با تنوع قومی و مذهبی به کار گرفته می‌شود (Shehaib, 2020: 48). فدرالیسم شامل دو سطح حکومتی است؛ نخست دولت مرکزی و سپس دولت‌های محلی یا ایالتی. فدرالیسم به ایجاد تعادل قدرت بین سطوح مختلف دولتی کمک می‌کند، به طوری که هر بخش می‌تواند از آزادی عمل در تصمیم‌گیری‌های خود بهره‌مند شود. این آزادی عمل به مناطقی که ویژگی‌ها و نیازهای خاصی دارند، چه از نظر فرهنگی و چه از نظر اقتصادی، این امکان را می‌دهد تا بهترین نوع مدیریت را برای خود انتخاب کنند (Hassan, 2024: 33). یکی از ویژگی‌های اصلی فدرالیسم، نیاز به قانون اساسی است که به‌طور واضح وظایف، اختیارات و روابط بین دولت مرکزی و دولت‌های محلی را مشخص می‌کند. این قانون اساسی می‌تواند به تثبیت حقایق اجتماعی و سیاسی کمک کرده و زمینه‌ای مناسب برای همکاری بین بخش‌های مختلف دولت فراهم نماید (صادقوند، ۱۳۹۲: ۱۷). فدرالیسم می‌تواند به ارتقای مشارکت سیاسی و اجتماعی در حکومت‌داری کمک کند. در شرایطی که گروه‌های فرهنگی و قومی مختلف در یک کشور وجود دارند، فدرالیسم این امکان را فراهم می‌آورد که نمایندگان از اقوام مختلف در فرآیندهای حکومتی مشارکت کنند و صدای خود را در اتخاذ تصمیمات بزرگ مطرح نمایند (Abdalaa & jabbar Naima, 2023: 39). با این حال، فدرالیسم همچنین با چالش‌هایی مواجه است. در بسیاری از کشورها، مشکلاتی همچون فساد، نابرابری در توزیع منابع و تنش‌های قومی می‌توانند کارایی فدرالیسم را تحت تأثیر قرار دهند. این چالش‌ها می‌توانند به تضعیف نظام فدرال و ناتوانی آن در دستیابی به حکمرانی خوب منجر شوند.

۱-۲- حکمرانی خوب

حکمرانی خوب یک مفهوم جامع است که به کیفیت مدیریت و سیاست‌گذاری در یک کشور اشاره دارد. این مفهوم شامل مؤلفه‌هایی همچون شفافیت، پاسخگویی، مشارکت، عدالت اجتماعی و قانون‌مداری است که به طور کلی تضمین‌کننده توسعه پایدار و بهره‌وری در سیستم‌های حکومتی هستند. شفافیت به معنای وضوح در فرآیندها و تصمیمات حکومتی است، به طوری که خطاب به تمامی ذینفعان (شامل شهروندان، رسانه‌ها و سازمان‌های دولتی) وضعیت موجود و کنش‌های صورت گرفته روشن باشد. این ویژگی می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و کاهش فساد کمک کند (Gunter, 2021: 47). پاسخگویی به معنی پاسخگویی نهادهای حکومتی به نیازها و خواسته‌های جامعه است. نهادهای دولتی باید قادر به توجیه تصمیمات و عملکردهای خود و عرضه خدمات مناسب باشند و در صورت عدم موفقیت، باید تحولات و تغییرات مطلوب را ایجاد نمایند. مشارکت به فرایندهای سیاسی اشاره دارد که در آن شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مهم دخالت دارند. افزایش مشارکت سیاسی می‌تواند به تنوع بیشتر در ایده‌ها و نظرات، و بهبود کیفیت سیاست‌گذاری‌ها کمک کند. عدالت اجتماعی در حوزه تقسیم منابع و فرصت‌ها قرار دارد (Katzman & Humud, 2016: 11). حکمرانی خوب باید به توزیع عادلانه منابع مادی و معنوی بپردازد و به حقوق همه اقشار جامعه به طور یکسان احترام بگذارد. قانون‌مداری نیز به معنای پایبندی به قوانین و اصول حاکم بر جامعه است. حکمرانی خوب باید بر اساس قوانین صحیح و منصفانه صورت گیرد و از تبعیض و نابرابری جلوگیری نماید. در مجموع، حکمرانی خوب به عنوان یک معیار اساسی در ارزیابی کارآمدی فدرالیسم، می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف این ساختار کمک کند. بررسی دقیق این مؤلفه‌ها و نحوه تعامل آن‌ها با ساختار فدرالی در عراق، ضرورت تحلیل عمیق و مستمر برای درک دقیق از موقعیت فعلی و نیازهای آینده است.

۳-۱- بررسی نظریه‌های موجود در زمینه فدرالیسم و حکمرانی خوب

در زمینه بررسی مباحث فدرالیسم و حکمرانی خوب، چندین نظریه برجسته وجود دارد که تجزیه و تحلیل این دو مفهوم را تسهیل می‌کند و درک عمیق‌تری از روابط و تعاملات آن‌ها ارائه می‌دهد. این نظریه‌ها بر اساس تاریخ، تجربه‌های اجتماعی و سیاسی و نیازهای بومی شکل گرفته‌اند و به طور کلی می‌توان آن‌ها را به دسته‌های مختلف تقسیم نمود؛ نخستین نظریه مربوط به فدرالیسم به تفکیک قدرت برمی‌گردد. این نظریه تأکید می‌کند که تقسیم قدرت بین دولت مرکزی و واحدهای محلی می‌تواند به جلوگیری از تمرکز قدرت کمک کند و در نتیجه به حکمرانی بهتر و شفاف‌تر منجر شود (حکمتی فرید و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳). از منظر این نظریه، توزیع قدرت می‌تواند به نهادهای محلی اجازه دهد تا در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مسائل خاص خود دخالت کنند، که به نوبه خود می‌تواند به بهبود کیفیت خدمات عمومی و تقویت حکمرانی خوب منجر شود. نظریه دیگری که در این زمینه قابل ذکر است، به ارتباط بین

فدرالیسم و تنوع قومی و مذهبی اشاره دارد. بر اساس این نظریه، فدرالیسم به‌عنوان یک ابزار برای مدیریت تنوع اجتماعی در کشورهایی با اقوام مختلف عمل می‌کند (أبو‌حسین، ۲۰۱۷: ۵۷). این نظریه اعتقاد دارد که با ایجاد یک ساختار فدرالی، گروه‌های قومی و مذهبی می‌توانند به‌طور مؤثرتری در فرآیندهای حکومتی مشارکت کنند و این امر به بهبود حکمرانی و کاهش تنش‌های اجتماعی کمک می‌کند.

یکی دیگر از نظریه‌های مهم، نظریه حکمرانی مشارکتی است که بر اهمیت مشارکت جامعه در فرآیندهای حکومتی تأکید دارد. این نظریه نشان می‌دهد که برای تحقق حکمرانی خوب، مشارکت فعال مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی الزامی است. در یک نظام فدرالی، ساختار قدرت به گونه‌ای است که می‌تواند زمینه را برای تأسیس نهادهای مشارکتی فراهم کند و بر اهمیت شفافیت و پاسخگویی در روابط بین دولت و جامعه تأکید نماید (الأطر، ۲۰۱۵: ۶۵). نظریه دیگری که بررسی می‌شود، نظریه فساد و حکمرانی است. این نظریه در مطالعاتی تأکید می‌کند که ساختار فدرالی می‌تواند به فساد کمک کند اگر مکانیسم‌های نظارت و پاسخگویی در آن ضعیف باشند. از این منظر، فدرالیسم، بدون وجود نهادهای قوی و کارآمد برای نظارت، می‌تواند به توزیع نابرابر منابع و عدم ارتقاء خدمات عمومی منجر گردد، که خود می‌تواند حکمرانی خوب را تضعیف کند. نظریه سیستم‌های اجتماعی نیز در این زمینه تأثیر گذار است. بر اساس این نظریه، تأثیر فدرالیسم بر حکمرانی خوب بستگی به ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور دارد (آقای بوقفانی، ۱۳۹۹: ۸۱). به بیان دیگر، اینکه آیا یک کشور می‌تواند از فدرالیسم به‌خوبی بهره‌برداری کند یا خیر، به میزان تحکیم نهادهای اجتماعی و ظرفیت‌های شهروندان برای مشارکت فعال در عرصه‌های سیاسی بستگی دارد.

نظریه مقایسه‌ای نیز در بررسی فدرالیسم و حکمرانی خوب کاربرد دارد. این نظریه به مقایسه نهادهای فدرالی مختلف در بین کشورهای گوناگون می‌پردازد و می‌تواند به شناسایی الگوهای موفق و ناموفق کمک کند (Abdullah et al, 2018: 679). با بررسی تجربیات کشورهای دیگر، می‌توان به دستاوردها و چالش‌های مختلف فدرالیسم آشنا شد و نقاط ضعف و قوت آن را شناسایی کرد. یکی دیگر از نظریه‌ها، نظریه تأثیر فرهنگ بر حکمرانی است. این نظریه به این نکته اشاره دارد که فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی هر کشور می‌تواند تأثیر مستقیمی بر نحوه عملکرد فدرالیسم و حکمرانی خوب داشته باشد (عبدالله مصطفی، ۱۴۰۳: ۹۴). برای مثال، در جوامعی که فرهنگ همکاری و مشارکت بیشتر رایج است، احتمال موفقیت فدرالیسم و ارتقای حکمرانی خوب نیز بیشتر خواهد بود. در نهایت، نظریه‌های اقتصاد سیاسی نیز در بررسی فدرالیسم و حکمرانی خوب نقشی محوری ایفا می‌کنند (علیزاده، ۱۳۹۵: ۱۹). این نظریه‌ها بر این نکته تأکید دارند که منافع اقتصادی می‌تواند به شدت بر ساختارهای سیاسی تأثیر بگذارند و تبعاتی برای حکمرانی خوب به‌دنبال داشته باشند. تحلیل اقتصادی کمک می‌کند تا ارتباط بین

ظرفیت‌های مالی و توانمندی‌های نهادهای فدرالی به‌طور دقیق‌تر بررسی شود (عمر سعید، ۱۴۰۲: ۵۸). به‌طور کلی، این نظریه‌ها با درک عمیق‌تری از ارتباطات و چالش‌های موجود، می‌توانند به محققان، پژوهشگران و تصمیم‌گیرندگان کمک کنند تا در طراحی و اجرای نظام‌های فدرالی و استراتژی‌های حکمرانی خوب، راهکارهای مؤثرتری پیشنهاد دهند.

۲- بررسی تاریخچه ساختار فدرالی در عراق

عراق پس از سال‌ها جنگ و تنش‌های داخلی، به سمت ایجاد یک ساختار فدرالی حرکت کرد. تاریخچه فدرالیسم در عراق به ویژه پس از سقوط رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳ شکل گرفت. این تحول نه تنها به دلیل نیاز به مدیریت تنوع قومی و مذهبی در این کشور، بلکه به دلیل فشارهای بین‌المللی و تحولات سیاسی نیز ایجاد شد (Abdullah, 2019: 363). در ادامه به بررسی تاریخچه ساختار فدرالی در عراق پرداخته و سه زیرمجموعه آن بررسی می‌شوند:

۲-۱- تحولات سیاسی

تحول سیاسی در عراق پس از سال ۲۰۰۳ به‌عنوان یک نقطه عطف در تاریخ این کشور شناخته می‌شود. پس از سقوط رژیم صدام حسین، فشارها برای ایجاد یک نظام سیاسی دموکراتیک و متنوع آغاز شد. این تحولات ناشی از دو عامل اصلی بود: اول، نیاز به پایان دادن به نظام دیکتاتوری و دوم، نیاز به ایجاد نظامی که نمایندگی عادلانه‌ای از جوامع مختلف عراق داشته باشد (Emara & JhonsaT 2014: 58). به دنبال این سقوط، نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل و ایالات متحده اقدامات جدی برای بازسازی عراق و ایجاد نظام حکومتی جدید انجام دادند. در این زمان، فهم و توجه به نوع حکومت فدرالی به‌عنوان یک راه‌حل مناسب برای مدیریت تنوع قومی و مذهبی در عراق افزایش یافت. پس از بررسی‌های گسترده و مشاوره با نمایندگان گروه‌های مختلف جامعه، این پیشنهاد به صورت رسمی تری مطرح شد. توافقی‌هایی بین احزاب مختلف متعلق به اقوام مختلف، به‌خصوص کردها، شیعه‌ها و سنی‌ها، شکل گرفت که هدف آن ایجاد حکومتی بر اساس فدرالیسم بود (سعودی الفارسی، ۱۴۰۱: ۷۰). این تحولات سبب شد که برخی از گروه‌ها به دنبال تأسیس نهادهای دولتی محلی باشند تا بتوانند به مسائل خود بپردازند و در عین حال به‌عنوان بخشی از دولت مرکزی عمل کنند. از این نظر، فدرالیسم به‌عنوان یک ابزار برای پاسخگویی به نیازهای محلی و افزایش مشارکت سیاسی در جامعه عراق شناخته شد.

۲-۲- قانون اساسی ۲۰۰۵

بر اساس تحولات سیاسی و فشارهای بین‌المللی، قانون اساسی جدید عراق در سال ۲۰۰۵ تصویب شد. این قانون به‌طور ویژه بر اساس اصول فدرالیسم طراحی شده و به شکل‌دهی

نهادهای محلی اجازه می‌داد تا بیشتر در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی مستقل عمل کنند. قانون اساسی ۲۰۰۵ به شناسایی و رسمیت بخشیدن به حقوق و اختیارات اقلیت‌های قومی و مذهبی پرداخت. از جمله نقاط قوت این قانون، شناسایی هویت‌های مختلف عراقی و تضمین حقوق شهروندی تمامی اقوام بود (بونخدخ، ۲۰۱۹: ۶۳). این قانون به شدت تحت تأثیر تجربه‌های فدرالیسم در کشورهای دیگر قرار داشت و از آن‌ها الهام گرفت. این قانون همچنین تشکیلات حکومت محلی را در استان‌ها تعریف و تصریح کرد که هر استان حق دارد نظام خود را تعیین کند. این ویژگی می‌تواند به تنوع تصمیم‌گیری و پاسخگویی به نیازهای مردم محلی و تقویت حکمرانی خوب کمک کند. با تصویب این قانون، امیدها برای بهبود وضعیت سیاسی و اقتصادی عراق افزایش یافت؛ اما چالش‌های جدی نیز پیش روی این قانون وجود داشت (مظلوم، ۲۰۱۹: ۷۴). انتظار می‌رفت که این تکامل قانونی بتواند به‌عنوان یک چارچوب برای تحول سیاسی و اجتماعی در عراق عمل کند و به شکل دادن جامعه‌ای دموکراتیک و متنوع کمک نماید.

۳-۲- چالش‌های اولیه

با وجود تمام مزایا و امیدهای ناشی از قانون اساسی فدرال ۲۰۰۵، چالش‌های اولیه‌ای نیز به وجود آمد که می‌توانست به روند نهادینه شدن فدرالیسم در عراق آسیب برساند. نخستین چالش، عدم یکپارچگی بین احزاب و گروه‌های قومی بود. پس از تصویب این قانون، گروه‌های مختلف متوجه شدند که ممکن است منافع خود را در تضاد با دیگر گروه‌ها ببینند و این موضوع به تنش‌های سیاسی منجر شد (Bekheet, 2021: 151). دومین چالش مربوط به چگونگی توزیع منابع و مالیات‌ها بود. با توجه به نیازهای متفاوت و وابستگی‌های اقتصادی گروه‌های مختلف، نابرابری‌های موجود در توزیع منابع می‌تواند به شکل‌گیری نارضایتی‌ها و اعتراضات منجر شود. این موضوع باعث شد تا ابهامات زیادی در زمینه تأمین مالی نهادهای فدرالی و محلی به وجود بیاید (الملحم و الکايد، ۲۰۱۵: ۶۰). نهادهای قضایی و نظارتی نیز به عنوان چالش دیگری مطرح بودند. فقدان نهادهای قوی و مستقل می‌تواند به فساد، سوءمدیریت و نارضایتی‌های اجتماعی منجر شود (Breede, 2017: 80). در این زمینه، نیاز بود که نهادهایی با قدرت نظارتی و پاسخگویی ایجاد شوند تا روند حکمرانی بهبود یابد. سرانجام، مسئله امنیت نیز به عنوان یک چالش جدی در فرآیند فدرالیسم در عراق مطرح بود. تنش‌های نژادی و مذهبی، بداعتی اجتماعی و نبود ثبات امنیتی می‌توانست پیشرفت‌های دموکراتیک و حکمرانی خوب را بخصوص در مورد مناطق فدرال به خطر اندازد. حضور گروه‌های تروریستی در عراق، وضعیت را بیش از پیش پیچیده کرده و مانع از شکل‌گیری نهادهای موثر و پایدار در راستای حکمرانی خوب شد (Mira & Hammadache, 2017: 114). این مسائل با تحولات سیاسی و اجتماعی همواره در حال تغییر و تحول بودند و به‌نوعی تحت تأثیر

فشارهای بین‌المللی و عوامل خارجی قرار داشتند. برای تقویت فدرالیسم در عراق، لازم است که چالش‌ها با همکاری و تعهد مشترک گروه‌های مختلف قومی و مذهبی مورد بررسی و حل و فصل قرار گیرد (Addink, 2019: 118). بررسی تاریخچه فدرالیسم در عراق نشان می‌دهد که این ساختار نه تنها به مدیریت تنوع کمک می‌کند، بلکه برای ایجاد جامعه‌ای قوی و پایدار ضروری است.

۳- کارکردهای مثبت ساختار فدرالی در حکمرانی خوب

فدرالیسم به عنوان یک سیستم حکومتی می‌تواند نقش موثری در بهبود حکمرانی و پاسخگویی به نیازهای متنوع جامعه ایفا کند، در ادامه هر کدام از این موارد بررسی می‌شوند:

۱-۳- توزیع قدرت و تصمیم‌گیری

توزیع قدرت و تصمیم‌گیری یکی از ویژگی‌های کلیدی و مهم ساختار فدرالی است که تأثیر قابل توجهی بر حکمرانی خوب دارد. این سیستم به گونه‌ای طراحی شده است که قدرت سیاسی و تصمیم‌گیری را بین دولت‌های مرکزی و محلی تقسیم کند و در نتیجه، شرکت و مشارکت هر دو سطح را تضمین نماید. در ساختار فدرالی، تمرکز قدرت در دست یک نهاد مرکزی کاهش می‌یابد. این موضوع باعث می‌شود که قدرت سیاسی کمتر در معرض فساد و سوءاستفاده قرار گیرد؛ چون تصمیم‌گیری‌ها از طریق نهادهای محلی انجام می‌شود که به نیازهای مردم خود نزدیک‌تر هستند. یکی از مزایای توزیع قدرت، افزایش پاسخگویی مقامات است. نهادهای محلی به دلیل نزدیکی به جامعه و ارتباط مستقیم با مردم، می‌توانند در قبال اقدامات خود بیشتر از مقامات مرکزی پاسخگو باشند (مهدی حسن، ۱۴۰۰: ۹۵). این موضوع باعث ایجاد احساس مسئولیت در مسئولان می‌شود و جامعه می‌تواند به سادگی آن‌ها را مورد سؤال قرار دهد. توزیع قدرت به نهادهای محلی این امکان را می‌دهد که سیاست‌ها و برنامه‌های خود را بر اساس نیازهای خاص جامعه خود طراحی و اجرا کنند. به طور مثال، یک منطقه خاص ممکن است نیاز به خدمات بهداشتی، آموزشی یا زیربنایی خاصی داشته باشد که فقط نهادهای محلی قادر به شناسایی و پاسخ‌دهی به آن هستند. حکومت‌های محلی به دلیل آزادی عمل بیشتری که دارند، می‌توانند سیاست‌های جدید و نوآورانه‌ای را که متناسب با شرایط و نیازهای محلی است، پیاده‌سازی کنند (قندیل، ۲۰۱۶: ۸۰). این توانایی به نهادهای محلی این امکان را می‌دهد که روش‌های جدیدی برای حل مشکلات خلاقانه پیدا کنند و بهبود کارایی را به دنبال دارد.

توزیع قدرت در سیستم‌های فدرالی به تقویت دموکراسی محلی کمک می‌کند. مردم در سطوح مختلف حکومتی به راحتی می‌توانند در فرآیندهای تصمیم‌گیری شرکت کنند. این مشارکت سیاسی به ایجاد یک فرهنگ دموکراتیک در جامعه کمک می‌کند و افراد را به لحاظ اجتماعی

فعال می‌سازد. با افزایش قدرت تصمیم‌گیری نهادهای محلی، گروه‌های قومی و مذهبی احساس هویت و نمایندگی بیشتری می‌کنند (القریشی، ۲۰۱۵: ۶۶). این حساسیت به تنوع در جامعه می‌تواند به کاهش تنش‌های اجتماعی و تقویت روح هم‌زیستی در جامعه منجر شود. وقتی که اقلیت‌ها احساس نمایندگی و شنیده شدن در فرآیندهای حکومتی داشته باشند، احتمال بروز بحران‌ها کاهش می‌یابد. وقتی که نهادهای محلی به طور مؤثر و شفاف عمل کنند، اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی افزایش می‌یابد. این اعتماد به این معناست که مردم احساس می‌کنند قدرت آنها در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ می‌شود و این موضوع باعث تقویت روابط متقابل میان مردم و دولت می‌شود. توزیع قدرت به نهادهای محلی اجازه می‌دهد تا خدمات عمومی را بر اساس نیازهای خاص خود ارائه دهند. این به افزایش کیفیت و رضایت عمومی از خدمات می‌انجامد. رقابت بین نهادهای محلی برای ارائه خدمات بهتر، انگیزه‌ای برای بهبود مستمر در ارائه خدمات است (کاک حمد، ۱۳۹۷: ۱۲۵). در یک سیستم فدرالی، تصمیم‌گیری به فرآیندهای محلی نزدیک‌تر است. این نزدیک بودن به مشکلات و چالش‌ها باعث می‌شود که تصمیمات اتخاذ شده بیشتر در جهت بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف باشند. به این ترتیب، تصمیمات کنونی به دور از تبعیض‌ها و نابرابری‌ها می‌باشد.

۲-۳- مشارکت سیاسی و اجتماعی

مشارکت سیاسی و اجتماعی یکی از کارکردهای اساسی ساختار فدرالی در حکمرانی خوب به شمار می‌آید. این سیستم به طور طبیعی به شهروندان این امکان را می‌دهد تا در سطوح مختلف حکومتی فعالانه شرکت کنند و از این طریق احساس تعلق و مسئولیت به جامعه خود را تقویت نمایند. در ساختار فدرالی، نهادهای محلی به دلیل نزدیک بودن به مردم، در فرآیندهای تصمیم‌گیری نقشی برگزار می‌کنند که این امر حس مشارکت عمومی را بیشتر می‌کند. این مشارکت سیاسی نه تنها به افزایش اعتماد به حکومت منجر می‌شود، بلکه می‌تواند موجب تقویت روحیه همبستگی اجتماعی نیز گردد. توزیع قدرت در یک نظام فدرالی به شهروندان این فرصت را می‌دهد که صدای خود را به راحتی ابراز کنند (Arulrajah, 2016: 74). نهادهای محلی مسئولیت‌های بیشتری در قبال جامعه دارند و این موضوع باعث می‌شود که مردم احساس کنند نظرات و خواسته‌هایشان در فرآیندهای حکومتی لحاظ می‌شود. از طرفی، این نوع مشارکت به نهادها کمک می‌کند تا برنامه‌ها و سیاست‌هایی را براساس نیازهای واقعی و خاص جامعه طراحی و اجرا کنند. بدین ترتیب، تصمیمات اتخاذ شده معمولاً منعکس کننده واقعیت‌های موجود در جوامع محلی است. مشارکت اجتماعی نیز از پایگاه قوی‌تری در یک نظام فدرالی بهره می‌برد. مردم می‌توانند به آسانی با نهادهای محلی ارتباط برقرار کرده و پیشنهادات و انتقادات خود را مطرح کنند (مصلح، ۲۰۱۳: ۵۷). این تعامل مستمر باعث می‌شود که نهادهای حکومتی به صورت بهتری به خواسته‌های جامعه پاسخ دهند و نیازهای

مختلف مردم را برآورده کنند. این نوع ارتباط نزدیک در نهایت به تقویت دموکراسی و جلب اعتماد بیشتر مردم به نهادهای حکومتی منجر می‌شود. در این زمینه، آموزش و آگاهی‌رسانی در بین شهروندان نیز نقش موثری ایفا می‌کند. نهادهای محلی می‌توانند برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های آگاهی‌دهنده‌ای را برگزار کنند که به شهروندان و گروه‌های مختلف کمک می‌کند تا با فرآیندهای حکومتی آشنا شوند و در آن‌ها مشارکت کنند (موسی، ۲۰۱۶: ۲۵۵). این نوع فعالیت‌ها به تقویت فرهنگ دموکراتیک و آشنایی بیشتر جامعه با حقوق و مسئولیت‌های خود کمک می‌کند.

۳-۳-ارائه خدمات عمومی

ارائه خدمات عمومی یکی از مهم‌ترین کارکردهای ساختار فدرالی در حکمرانی خوب به شمار می‌آید. این ساختار به نهادهای محلی این امکان را می‌دهد که مستقیماً به نیازهای خاص جوامع خود پاسخ دهند و خدمات عمومی را با توجه به ویژگی‌ها و نیازهای منطقه‌ای ارائه کنند. در یک نظام فدرالی، توزیع قدرت میان دولت مرکزی و نهادهای محلی باعث می‌شود که خدمات عمومی به صورت کارآمد و بهینه‌تری به شهروندان ارائه شود. این سیستم به مسئولان محلی اجازه می‌دهد تا با شناخت دقیق‌تری از نیازهای مناطق خود، اقدام به تخصیص منابع و طراحی سیاست‌های مناسب کنند. یکی از مزایای کلیدی ارائه خدمات عمومی در نظام فدرالی، افزایش پاسخگویی نهادهای محلی است (جمازاده، ۲۰۱۵: ۱۴۱). وقتی که مسئولیت ارائه خدمات عمومی به دولت‌های محلی واگذار می‌شود، این نهادها تحت فشار بیشتری برای بهینه‌سازی عملکرد خود قرار می‌گیرند. شهروندان به راحتی می‌توانند از مقامات محلی در مورد کیفیت خدمات ارائه شده سؤال کنند و مسئولیت‌پذیری آن‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند. این نوع نظارت عمومی منجر به افزایش انگیزه برای بهبود کیفیت خدمات آموزشی، بهداشتی و زیرساختی خواهد شد. توزیع خدمات عمومی در ساختار فدرالی همچنین می‌تواند به کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک کند. نهادهای محلی به دلیل نزدیک بودن به جامعه، به آسانی قادرند نیازهای خاص گروه‌های مختلف اجتماعی را شناسایی کنند. به این ترتیب، می‌توانند خدماتی را طراحی کنند که به طور متناسب با نیازهای اقشار مختلف جامعه باشد و در نتیجه عدالت اجتماعی را تقویت نماید. به عنوان مثال، ممکن است یک منطقه خاص نیاز به خدمات بهداشتی بیشتری داشته باشد که در این صورت نهاد محلی می‌تواند برنامه‌های اصلاحی و حمایتی ویژه‌ای را طراحی و اجرا کند (رضوان، ۲۰۱۳: ۵۷). همچنین، ساختار فدرالی به نهادهای محلی این ظرفیت را می‌دهد که خدمات عمومی را سریع‌تر و با انعطاف بیشتری ارائه دهند. به عنوان مثال، در مواقع بحران یا نیازهای فوری، نهادهای محلی می‌توانند تصمیم‌گیری‌های لازم را به سرعت اتخاذ کرده و منابع را به بهترین شکل ممکن تخصیص دهند (علی‌الجنابی، ۲۰۱۴: ۷۳). این اقدام نه تنها به افزایش کارایی خدمات عمومی کمک

می‌کند بلکه اعتماد عمومی را نیز تقویت می‌کند، زیرا مردم از چابکی و تولنایی نهادهای محلی در مواجهه با چالش‌ها آگاه می‌شوند. توسعه زیرساخت‌های عمومی در یک نظام فدرالی نیز غالباً بهبود می‌یابد. مسئولان محلی می‌توانند با بهره‌گیری از نظرات و نیازهای جامعه، پروژه‌های زیرساختی لازم را شناسایی و اجرایی کنند (احمدزاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۳). این نهادها، به دلیل ارتباط نزدیک‌تری که با جامعه دارند، از میزان اهمیت و اولویت‌های پروژه‌ها آگاه‌تر هستند و می‌توانند به اختصاص منابع مالی و انسانی به طور مؤثرتری اقدام کنند. این امر به رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی در سطح محلی کمک شایانی خواهد کرد. تحریک رقابت میان نهادهای محلی نیز یکی دیگر از مزایای ساختار فدرالی در ارائه خدمات عمومی است (چکیده، ۱۳۹۷: ۸۵). هنگامی که نهادهای محلی در ارائه خدمات با یکدیگر رقابت می‌کنند، انگیزه بیشتری برای بهبود کیفیت و کارایی خواهند داشت. این رقابت می‌تواند منجر به نوآوری در خدمات عمومی گردد و نهادها به سمت بهینه‌سازی منابع و افزایش کیفیت خدمات سوق یابند. در نتیجه، شهروندان از کیفیت بالاتری در خدمات عمومی بهره‌مند خواهند شد.

۴- معضلات ساختار فدرالی در حکمرانی خوب

معضلات ساختار فدرالی در حکمرانی خوب می‌تواند به دو دسته اصلی تقسیم شود: چالش‌های هماهنگی و توزیع منابع. یکی از مشکلات عمده در نظام‌های فدرالی این است که هماهنگی بین دولت مرکزی و نهادهای محلی می‌تواند دشوار باشد. اختلافات در سیاست‌ها و اولویت‌ها ممکن است منجر به بروز تضادهایی شود که عملکرد کل نظام را مختل می‌کند. به علاوه، توزیع ناعادلانه منابع میان نهادهای مختلف محلی می‌تواند نابرابری‌های منطقه‌ای را افزایش دهد و خدمات عمومی را به طور نامتناسبی تحت تأثیر قرار دهد. این امر ممکن است به ایجاد نارضایتی اجتماعی و عدم دسترسی به خدمات اساسی در برخی از مناطق منجر شود. در ادامه برخی از این معضلات بیان می‌شوند:

۴-۱- تنش‌های قومی و مذهبی

تنش‌های قومی و مذهبی یکی از معضلات اساسی در ساختار فدرالی به شمار می‌آیند که می‌تواند تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر حکمرانی خوب داشته باشند. در نظام‌های فدرالی، که قدرت میان سطوح مختلف حکومت، از جمله دولت مرکزی و نهادهای محلی تقسیم می‌شود، احتمال وجود تنش‌های قومی و مذهبی به دلیل تنوع فرهنگی و قومی بالا بیشتر است. این تنوع می‌تواند به نفع توسعه اجتماعی و اقتصادی باشد، اما در عین حال، تنش‌های ناشی از تفاوت‌های قومی و مذهبی می‌تواند به چالش‌های جدی برای یکپارچگی ملی و ثبات حکومتی منجر شود. این تنش‌ها معمولاً از حس تبعیض و بی‌عدالتی ناشی می‌شوند. گروه‌های قومی و مذهبی ممکن است احساس کنند که نهادهای محلی یا دولت مرکزی به نیازها و دغدغه‌های آنها به درستی پاسخ نمی‌دهند (جبری، ۱۴۰۲: ۵۹). این احساس عدم عدالت می‌تواند به یک

حس بی تفاوتی یا حتی دشمنی میان گروه‌های مختلف جامعه منجر شود. هنگامی که این احساسات شکل می‌گیرند، راه‌های همکاری و همستگی که برای توسعه پایدار لازم هستند، به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. علاوه بر این، رقابت بر سر منابع و فرصت‌ها می‌تواند تنش‌های قومی و مذهبی را تشدید کند. در نظام‌های فدرالی، توزیع ناعادلانه منابع می‌تواند به فروپاشی اعتماد میان گروه‌های مختلف منجر شود. در شرایطی که یک گروه خاص از خدمات و امکانات بیشتری نسبت به دیگران بهره‌مند شود، طبیعی است که اختلافات عمیق‌تری شکل بگیرد (الصبیحی، ۲۰۱۵: ۸۵). این نابرابری می‌تواند به خشونت و درگیری‌های قومی و مذهبی منجر شود که به نوبه خود موجب بی‌ثباتی و کاهش کارایی نهادهای محلی می‌شود. نظام‌های فدرالی همچنین ممکن است به دلیل ساختاری که دارند، به تشدید تنش‌های قومی کمک کنند. اگر برقراری تسهیلات خاص برای یک گروه قومی یا مذهبی خاص، به طور غیرمنصفانه‌ای بر دیگر گروه‌ها تأثیر بگذارد، این موضوع می‌تواند به بروز نارضایتی و احساس انزوا در سایر گروه‌ها منجر شود (الغنام، ۲۰۱۷: ۸۴). چنین وضعیتی نه تنها به کیفیت خدمات عمومی آسیب می‌زند، بلکه همچنین به ایجاد درگیری‌ها و ناامنی‌های اجتماعی منجر خواهد شد.

تجربیات تاریخی در بسیاری از کشورها نشان داده است که تنش‌های قومی و مذهبی می‌توانند به فصل مشترک‌های ناگوار و در نتیجه، منازعات خشونت‌آمیز تبدیل شوند. مثال‌هایی از بحران‌های قومی در نقاط مختلف جهان حاکی از آن است که تجزیه یا ناکارآمدی یک نظام فدرالی به دلیل تنش‌های قومی به آسانی ممکن است اتفاق بیفتد. این امر می‌تواند به کاهش ظرفیت دولت برای مدیریت بحران‌ها و بروز شرایط بحرانی منجر شود، و در این زمان است که نیاز به حکمرانی خوب و پاسخگویی بیشتر احساس می‌شود. در این راستا، نهادهای محلی در سیستم فدرالی می‌توانند نقش مهمی در کاهش تنش‌ها ایفا کنند (کرمی امین، ۲۰۱۴: ۵۷). این نهادها، با شناخت دقیق‌تری از نیازها و دغدغه‌های گروه‌های مختلف، می‌توانند به ایجاد فضایی مناسب برای گفت‌وگو و تعامل اجتماعی کمک کنند. از سوی دیگر، اگر نهادهای محلی تحت تأثیر دیدگاه‌های خاص قومی یا مذهبی قرار بگیرند، ممکن است باعث تشدید تنش‌ها شوند. تحریکات قومی و مذهبی در نظام‌های فدرالی می‌تواند موجب تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی شود (ابوالسعود، ۲۰۱۵: ۹۹). به بیان دیگر، اگر گروهی احساس کند که تنها به عنوان یک منبع برای تأمین منافع سایرین دیده می‌شود، این ممکن است اعتقاد به کارایی و عدالت سیستم حکومتی را تضعیف نماید.

۲-۴- وجود فساد اداری

وجود فساد اداری یکی از معضلات اساسی در ساختار فدرالی است که می‌تواند به شدت بر حکمرانی خوب تأثیر بگذارد. در نظام‌های فدرالی، پراکندگی قدرت بین دولت مرکزی و

نهادهای محلی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش فساد اداری شود. به‌عنوان مثال، در برخی از موارد، نهادهای محلی ممکن است از نظارت‌های کافی برخوردار نباشند و این خود فرصتی برای سوءاستفاده از قدرت ایجاد می‌کند (احواس، ۲۰۱: ۱۱۷). عدم شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌تواند به طور مستقیم به بروز فساد منجر شود و در نتیجه، قابلیت پاسخگویی نهادهای عمومی را تضعیف کند. یکی از پیامدهای جدی فساد اداری در نظام‌های فدرالی، کاهش کیفیت خدمات عمومی است. وقتی که منابع مالی به جای آنکه صرف رفاه عمومی و توسعه زیرساخت‌ها شود، به جیب افراد خاص برود، شهروندان احساس نارضایتی می‌کنند. این مسئله می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی و سیستم سیاسی منجر شود و در نهایت، جامعه‌ای انزوا طلب و ناامید ایجاد کند. به‌علاوه، در درازمدت، فساد توانایی دولت را در تحقق اهداف توسعه پایدار محدود می‌کند (الکبیبسی، ۲۰۱۱: ۱۶۵). دولت‌های فدرالی معمولاً از ساختارهای پیچیده‌ای برخوردارند که ضرورت هماهنگی بین چندین رکن را می‌طلبد. این پیچیدگی‌ها می‌تواند به فرصت‌های بیشتر برای فساد منجر شود. در واقع، تعارض منافع، تبانی میان مقامات محلی و فقدان نظارت مؤثر، می‌تواند زمینه را برای افزایش فساد فراهم کند.

در بسیاری از موارد، مقامات محلی ممکن است به دلیل ضعف قوانین و نظارت‌ها، رفتارهای فسادآمیز را به آسانی انجام دهند. یکی از چالش‌های کلیدی در نظام‌های فدرالی، عدم وجود استلنداردهای یکسان برای اداره امور مالی و اداری است. در نتیجه، در برخی ایالت‌ها یا نهادهای محلی، می‌تواند قوانین و مقررات به گونه‌ای وضع شود که به تأسیس یک محیط مساعد برای فساد کمک کند. به عنوان مثال، نبود شفافیت در مناقصات عمومی یا واگذاری قراردادهای دولتی به افراد خاص می‌تواند منجر به به‌وجود آمدن فضای فسادآمیز شود که در آن منافع عمومی قربانی منافع شخصی می‌شود. عوامل فرهنگی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری فساد اداری دارند. در جوامعی که فساد به عنوان یک رفتار اجتماعی عادی پذیرفته شده، تغییر این نگرش و ایجاد فرهنگی مبنی بر پاسخگویی و شفافیت می‌تواند بسیار دشوار باشد (الغازی، ۲۰۱۷: ۱۵۴). در حقیقت، برخی از جوامع ممکن است به دلیل تاریخ طولانی فساد، نسبت به هرگونه طرح اصلاحی مقاومت نشان دهند. این مسئله در نظام‌های فدرالی که نهادهای محلی ممکن است در کنترل این روندها ناتوان باشند، می‌تواند به بحران‌های جدی منجر شود. فساد اداری در نظام‌های فدرالی همچنین می‌تواند به نابرابری‌های منطقه‌ای دامن بزند. اگر یک ایالت یا منطقه تحقیر نشده از فساد رنج ببرد، احتمالاً منابع کمتری در اختیار خواهد داشت و این خود می‌تواند به تقویت نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بین مناطق مختلف منجر شود (الطباطبائی، ۲۰۱۸: ۴۸). در نتیجه، اگر فساد به طور سیستماتیک در نهادهای محلی به وجود بیاید، بخشی از جامعه بیش از دیگران تحت تأثیر منفی قرار خواهد گرفت، که این خود به تنش‌های اجتماعی و سیاسی منجر خواهد گردید.

نظام‌های فدرالی باید به گونه‌ای طراحی شوند که نظارت و اکید بر رفتارهای فسادآمیز داشته باشند. نهادها و ارگان‌های نظارتی باید به نحوی تقویت شوند که به طور مؤثر بر عملکرد نهادهای محلی نظارت کنند و در صورت وجود هرگونه فساد، به سرعت وقوع آن را شناسایی و پیگیری کنند. عدم وجود چنین سازوکارهایی می‌تواند به ایجاد محیطی فاسد و ناکارآمد منتج شود که در آن احتمالی برای اصلاح و بهبود باقی نمی‌ماند (بترس، ۲۰۱۶: ۱۰). در سطح راهبردی، وجود نهادهای مستقل و قوی که بتوانند بر اقدامات دولتی نظارت کنند، ضروری است. این نهادها باید به گونه‌ای طراحی شوند که تحت تأثیر نیروهای سیاسی قرار نگیرند و بتوانند به‌طور شفاف و مستقل گزارش‌هایی درباره فساد عمومی و سوءمدیریت‌ها ارائه دهند. همچنین، تقویت فرهنگ شفافیت و پاسخگویی در میان مقامات باید یکی از اولویت‌های اصلی جلب توجه در هر نظام حکومتی باشد. کارآفرینی و ایجاد بازارهای رقابتی نیز می‌تواند به کاهش فساد کمک کند. اگر یک اقتصاد باز و رقابتی وجود داشته باشد، مقامات ایجاد کنندگان فرصت‌های گسترده‌ای برای کسب درآمد از منابع عمومی خواهند داشت و این امر ممکن است آنها را به سمت اقدامات غیرقانونی سوق دهد (حمدی، ۲۰۱۵: ۸۷). بنابراین، تنها با ایجاد گزینه‌های متنوع برای درآمدزایی و تقویت رقابت در بازار می‌توان تا حدی از فساد پیشگیری کرد. آگاهی‌بخشی به شهروندان نیز یکی از ابزارهای مؤثر در مبارزه با فساد است. هنگامی که شهروندان نسبت به حقوق و وظایف خود آگاه باشند و از مکانیزم‌های نظارتی دولت مطلع شوند، احتمال وقوع فساد کاهش می‌یابد. مشارکت فعال مردم در فرآیندهای نظارتی و تصمیم‌گیری نیز می‌تواند به شفافیت بیشتر و کاهش فساد اداری کمک کند. در نهایت، سیستم‌های فدرالی باید از شیوه‌های مؤثر و نوآورانه برای مقابله با چالش‌های فساد بهره‌بردارند. مسئولیت‌پذیری و صداقت در حکمرانی از ارکان اصلی موفقیت یک نظام فدرالی به شمار می‌آید. اگر مقامات دولت مرکزی و محلی در برابر فساد مسئول باشند و به شفاف‌سازی عمل کنند، می‌توانند اعتماد عمومی را به سیستم حکومتی بازگردانند (حمدی، ۲۰۱۸: ۴۹). جلب اعتماد مردم و بهبود رابطه میان نهادهای حکومتی و جامعه مدنی می‌تواند به محیطی امن و پایدار منجر شود که در آن فساد وارد نشود. بدین ترتیب، وجود فساد اداری به عنوان یک معضل اساسی در ساختار فدرالی، نیازمند توجه جدی و رویکردهای منسجم برای مبارزه با آن است. اصلاحات قانونی، تقویت نهادهای نظارتی، ایجاد فرهنگ شفافیت و ارتقاء آگاهی عمومی از جمله اقداماتی است که می‌تواند به برطرف کردن این مشکل کمک کند (تورار، ۲۰۱۴: ۹۸). حکمرانی خوب در نظام‌های فدرالی می‌تواند با تلاش‌های مستمر برای شفافیت و پاسخگویی، به دست آید و نیاز به مشارکت فعال همه ذینفعان دارد. از این رو، انضباط و کنترل بر عملکرد نهادها و ایجاد همبستگی اجتماعی می‌تواند کمک شایانی به بهبود وضعیت حکمرانی کند.

توزیع ناعادلانه منابع به‌عنوان یک معضل اساسی در ساختار فدرالی می‌تواند به چالش‌های جدی در حکمرانی خوب منجر شود. در نظام‌های فدرالی، که در آن‌ها قدرت میان دولت مرکزی و نهادهای محلی تقسیم شده است، این توزیع ناعادلانه می‌تواند تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر تأمین خدمات عمومی، برنامه‌های توسعه، و رفاه اجتماعی داشته باشد. هنگامی که منابع به شکلی ناعادلانه توزیع می‌شوند، بخش‌های خاصی از جامعه می‌توانند از امکانات و فرصت‌های حیاتی محروم شوند، در حالی که دیگر بخش‌ها به منابع بیشتری دسترسی دارند. این عدم توازن می‌تواند به شکل‌گیری نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منجر شود که در نهایت به تضعیف انسجام اجتماعی و نارضایتی عمومی منجر خواهد شد (عصفور، ۲۰۱۵: ۱۴۱). یکی از عوارض مستقیم توزیع ناعادلانه منابع در نظام‌های فدرالی، کاهش کیفیت خدمات عمومی در مناطق کم‌برخوردار است. به‌طور کلی، نهادهای محلی مسئول تأمین خدماتی مانند آموزش، بهداشت، و زیرساخت‌ها هستند. اما اگر این نهادها به منابع کافی دسترسی نداشته باشند، دچار کمبود در تأمین نیازهای ابتدایی شهروندان خواهند شد. این موضوع می‌تواند به محرومیت گروه‌های خاصی از جامعه و نادیده گرفتن حقوق آن‌ها منجر شود. به‌ویژه، در مناطق روستایی یا کمتر توسعه یافته، این نابرابری می‌تواند عواقب خطرناکی را رقم زند و به نارضایتی عمومی دامن بزند. توزیع ناعادلانه منابع همچنین می‌تواند به بروز تنش‌های اجتماعی و سیاسی بین مناطق مختلف منجر شود. وقتی که برخی از نهادهای محلی از امکانات بیشتری برخوردار باشند و به شکلی نایاب از منابع عمومی بهره‌برداری کنند، ممکن است سایر نهادها که تحت فشار اقتصادی هستند، احساس محرومیت کنند و این احساس محرومیت می‌تواند به اعتراضات و اعتراضات عمومی منجر شود (نجم‌نجم، ۱۴۰۲: ۱۵۴). این تنش‌ها نه تنها ثبات داخلی هر منطقه را تهدید می‌کند، بلکه می‌تواند به امنیت کل کشور آسیب برساند. علاوه بر این، توزیع ناعادلانه منابع می‌تواند به تضعیف ظرفیت‌های اقتصادی مناطق کم‌برخوردار منجر شود (الرحمه، ۱۴۰۲: ۱۷۴). نهادهایی که به منابع مالی و زیرساخت‌های لازم دسترسی ندارند، قادر به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی نخواهند بود. در نتیجه، این مناطق با نرخ بالای بیکاری و فقر مواجه می‌شوند، که این خود نیز به چرخه‌ای معیوب از نابرابری و عدم توسعه منجر خواهد شد. در مقایسه، مناطقی که از منابع بیشتری برخوردارند می‌توانند به راحتی رشد اقتصادی و اجتماعی را تجربه کرده و به قطب‌های توسعه پایدار تبدیل شوند.

تأثیر ساختار فدرالی بر حکمرانی خوب در عراق موضوعی پیچیده و چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متعددی قرار دارد. فدرالیسم در عراق به‌عنوان یک راهکار برای توزیع قدرت و افزایش مشارکت مناطق مختلف در فرآیند تصمیم‌گیری معرفی شده است. با این حال، اجرای آن با چالش‌ها و معضلاتی همراه بوده است که می‌تواند بر کیفیت حکمرانی تأثیر منفی بگذارد. یکی از نقاط قوت ساختار فدرالی در عراق، توانایی آن در افزایش خودمختاری مناطق و فراهم کردن بستر برای تصمیم‌گیری محلی است. مناطق مختلف از جمله کردستان عراق توانستند طی سال‌های اخیر با استفاده از این خودمختاری، برخی از نیازهای محلی خود را به‌طور بهینه‌تری برآورده کنند. این امر می‌تواند به افزایش حس اعتماد و رضایت شهروندان منجر شود و زمینه‌ساز توسعه پایدار باشد. با این حال، یکی از معضلات اصلی فدرالیسم در عراق، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی میان مناطق مختلف است. توزیع ناعادلانه منابع و فرصت‌های اقتصادی باعث شد که برخی مناطق، با وجود منابع طبیعی غنی، هنوز هم با چالش‌های معیشتی مواجه باشند. این عدم تعادل می‌تواند به بروز تنش‌ها و نارضایتی‌های اجتماعی منجر شده و تضادهای داخلی را تشدید کند. فساد اداری نیز به‌عنوان یک چالش جدی در ساختار فدرالی عراق مطرح است. در این راستا، برخی از نهادهای محلی به‌دلیل ضعف‌های نظارتی و عدم شفافیت منابع مالی، دچار سوءاستفاده از قدرت و فساد شده‌اند. این امر نه تنها اعتبار نهادهای محلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه به تضعیف روحیه همکاری و اعتماد عمومی منجر می‌شود. روابط میان دولت مرکزی و نهادهای محلی در عراق به‌ویژه با مشکلاتی مانند عدم هماهنگی، تنش‌های سیاسی و مشکلات در تقسیم منابع مواجه است. در بسیاری از موارد، نهادهای محلی به‌جای همکاری با دولت مرکزی، به دنبال منافع خودشان هستند. این نگرش می‌تواند مانع از دستیابی به اهداف مشترک ملی شود و در نهایت به ناکارآمدی حکمرانی منجر گردد. نقش نهادهای مستقل در نظارت بر عملکرد نهادهای محلی و کشف فساد نیز یکی دیگر از الزامات ساختار فدرالی در عراق است. ایجاد سیستمی مؤثر برای نظارت بر تصمیم‌گیری‌های مالی و اداری می‌تواند به شفافیت و عدالت در توزیع منابع کمک کند و از بروز فساد جلوگیری نماید. در همین راستا، تقویت مکانیزم‌های پاسخگویی و شفافیت به‌عنوان یک اولویت در حکمرانی خوب مطرح است. علاوه بر این، به‌کارگیری سیاست‌های اقتصادی منصفانه و ایجاد بسترهای لازم برای توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته یکی از راهکارهای ضروری برای بهبود حکمرانی است. مقامات محلی باید با استفاده از منابع و توانمندی‌های خود، به دنبال کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی باشند. این امر نیازمند سیاست‌گذاری‌های استراتژیک و پایدار است. همچنین افزایش آگاهی عمومی و فرهنگ مشارکت در فرایندهای سیاسی می‌تواند به بهبود حکمرانی کمک کند. شهروندان باید توانایی ایجاد تغییر و بیان نیازهای خود در فرایندهای تصمیم‌گیری را داشته باشند. این مشارکت

می‌تواند به افزایش شفافیت و کاهش فساد کمک کند و علاوه بر آن، حس تعلق به جامعه را تقویت کند. برای دستیابی به حکمرانی خوب و مؤثر در عراق، ضرورت دارد که ساختار فدرالی با توجه به نیازهای واقعی جامعه و با همکاری بین سطوح مختلف حکومتی بهبود یابد. توافق و همکاری میان دولت مرکزی و نهادهای محلی می‌تواند به تقویت انسجام اجتماعی و توسعه پایدار کمک کند. بنابراین، اصلاحات عمیق و مؤثر در زمینه حکمرانی و فدرالیسم ضروری به نظر می‌رسد تا اطمینان حاصل شود که عدالت اجتماعی و توسعه پایدار محقق می‌شود.

استناد:

خلف مضر دحام، شریف شاهی محمد، خلف سعد عبدالله، پور خاقان شاهرضایی زینب. تأثیر ساختار فدرالی بر حکمرانی خوب در عراق: تحلیل کارکردها و معضلات. فصلنامه تحولات سیاسی/اجتماعی معاصر ایران، 1404; 4(4)

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.517102.1273>

منابع

منابع

منابع فارسی

۱. آقای بورقانی، مرتضی رستم محمد (۱۳۹۹). تحلیل و ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های فدرالیسم عراق در چارچوب نظام نوین بین‌المللی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی فرهمند - لاریجان.
۲. احمدزاده، خالد؛ منوچهری، صلاح‌الدین؛ امانی، رامین؛ صمدی‌پور، شهلا (۱۴۰۱). تغییرات اقلیمی، تجارت و نابرابری درآمدی: رهیافت رگرسیون چندکی در داده‌های تابلویی. اقتصاد و الگو سازی، ۱۳(۱)، ۵۷-۹۲.
۳. الرحمه، اکثم (۱۴۰۲). فدرال، قوانین عراق، اتحاد، بغداد، اربیل. رساله دکتری تخصصی، دانشگاه قم.
۴. جبری، ذوالفقار (۱۴۰۲). بررسی و تحلیل عوامل اصلی در حفظ ثبات سیاسی عراق در برابر داعش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی.
۵. چکیده، فریده (۱۳۹۷). فقدان حکمرانی خوب و معضل امنیتی در عراق پس از سال ۲۰۰۶. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی.
۶. حکمتی فرید، صمد، محمدزاده، یوسف، حسین زاده، افسانه (۱۳۹۹). بررسی اثر حکمرانی خوب بر سلامت زنان در کشورهای با درآمد متوسط به بالا با رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته. فصلنامه زن و جامعه، ۱۱(۴۱)، ۲۹-۵۲.
۷. صادفوند، سعید (۱۳۹۲). فدرالیسم و سامان سیاسی در عراق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
۸. علی‌الجنابی، مناضل خمیس (۱۴۰۳). تجزیه و تحلیل حکمرانی خوب در عراق و تأثیر آن بر سیاست خارجی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی.
۹. عبدالله مصطفی، کاروان (۱۴۰۳). سازوکارهای شفافیت مالی و ارتقاء سلامت اداری در اسناد بین‌الملل و اعمال آن در حقوق موضوعه جمهوری عراق. رساله دکتری تخصصی، دانشگاه تبریز.
۱۰. علیزاده، سعیده، بیات، مریم (۱۳۹۵). بررسی اثر حکمرانی خوب بر محیط زیست در کشورهای با درآمد متوسط. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۸: ۱۱-۳۶.
۱۱. عمر سعید، سردار (۱۴۰۲). بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر بیکاری در کشورهای ایران و عراق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان.

١٢. كاك حمد، محمد(١٣٩٧). سياست گذارى توسعه در اقليم كردستان آسيب شناسى سياست هاى توسعه اقتصادى از منظر حكمرانى خوب ٢٠١٨-٢٠٠٥. رساله دكتورى تخصصى، دانشگاه تهران.
١٣. كرمى امين، زهرا(١٤٠٢). حكومت فدرالى و تأثير آن بر امنيت مى عراق (٢٠٠٣ تا ٢٠٢٠). پايان نامه كارشناسى ارشد، دانشگاه ايلام.

منابع عربى

١٤. أبو حسين، مصطفى موسى (٢٠١٧). معايير الحكم الرشيد ودورها فى تنمية الموارد البشرية بوزارة الداخلية الفلسطينية. رساله ماجستير، جامعه الأقصى.
١٥. ابوالسعود، محمد. (٢٠١٥). التنظيم القانونى للهيئات والمرافق المحليه. القاهرة: مكتبة سيد عبدالله وهيه.
١٦. احواس، خليفه. (٢٠١٩). اللامركزية بعد الثورة. ليبيا: جامعه قاريونس.
١٧. الأطر، هاوكار عمر أحمد (٢٠١٥). التشريعية للامركزية فى الإدارة والحكم فى العراق. رساله ماجستير، كلية القانون والسياسة جامعه صلاح الدين.
١٨. الصبيحي، معتر اسماعيل. (٢٠١٥). صنع القرار السياسى فى العراق والديمقراطيات التوافقية دراسة عن الديمقراطية التوافقية فى سويسرا بلجيكا إيرلندا الشمالية لبنان. بغداد: دار الكتب العلمية.
١٩. الغنام، جهاد (٢٠١٧). أبعاد المنظمة الأخلاقية ودورها فى تحسين جودة الأداء المؤسسى فى المستشفيات الفلسطينية. رساله ماجستير، جامعه الأقصى
٢٠. الكبيسى، معمر. (٢٠١١). توزيع الاختصاصات الدستورية فى الدولة الفيدرالية. أطروحة دكتوراه، جامعه بغداد
٢١. القريشى، عمر موسى جعفر (٢٠١٥). أثر الحكومة الالكترونية فى الحد من ظاهرة الفساد الإدارى. بيروت: منشورات الحلبي الحقوقية.
٢٢. الغازى، ابراهيم (٢٠١٧). الدولة والنظم السياسية. ابوظبى: دار المتنبى.
٢٣. الطباطبائى، عادل. (٢٠١٨). الاستقلال الذاتى لولايات الدولة الاتحادية. المجلة الحقوق والشريعة الصادر عن كلية الحقوق والشريعة ٦(١): ٣٣-٦١.
٢٤. الملحم، رامى أحمد توفيق؛ الكايد، زهير عبد الكريم (٢٠١٥). أثر الحكم الرشيد على التميز فى منظمات الأعمال. اطروحة دكتوراه، جامعه العلوم الإسلامية العالمية.
٢٥. بطرس، ظريف. (٢٠١٦). الادارة المحلية. المجلة موسوعة الحكم المحلى ١(١): ٩-٢٤.٢
٢٦. بونخدخ، كريم برؤيه. (٢٠١٩). نظرية حول استراتيجية تطوير القطاع الخاص فى النشاط الاقتصادى. بغداد: مؤسسة الحوار المتمدن.

۲۷. تورار، هیلین (۲۰۱۴). تدویل الدساتیر الوطنیة. باسیل یوسف. بغداد: بیت الحکمة.
۲۸. جمزاده، سید جواد إمام. (۲۰۱۵). نموذج الحکم الرشید. الاسکندریه: منشأة المعارف.
۲۹. حمدي، عادل. (۲۰۱۵). الاتجاهات المعاصرة في نظم الادارة المحلية. أطروحة دكتوراه، جامعة عين شمس
۳۰. علی، خالد. (۲۰۱۸). اختیار المحافظ واختصاصاته وفق قانون المحافظات غير المنتظمة في اقليم. المجلة العلوم القانونية (۷): ۴۴-۵۹.۸
۳۱. رضوان، محمود. (۲۰۱۳). تقييم أداء المؤسسات في ظل معايير الأداء المتوازن. القاهرة: المجموعة العربية للتدريب والنشر
۳۲. سعودی الفارسی، قاسم محمد (۱۴۰۱ه.ش). فدرالیسم در قانون اساسی عراق بین اعمال و اجراء شکست و موفقیت، یک مطالعه تحلیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۳۳. عصفور، سعد. (۲۰۱۵). المبادئ الاساسیة فی القانون الدستوری والنظم السیاسیة. الاسکندریة: منشأة المعارف.
۳۴. فاضل فاضل، مصعب عبدالکریم (۱۴۰۲ه.ش). سازماندهی فکری و حقوقی عناصر حکمرانی خوب در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از منظر حقوق عمومی مطالعه تطبیقی بین عراق، ایران و انگلستان به عنوان الگو. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۳۵. قنديل، مانی. (۲۰۱۶). المجتمع المدني العالمي. القاهرة: مركز الدراسات السیاسیة والاستراتيجية بالأهرام.
۳۶. مصلح، عبیر. (۲۰۱۳). النزاهة والشفافية والمساءلة في مواجهة الفساد. رام الله: مؤسسة أمان.
۳۷. موسی، نبیل عمران. (۲۰۱۶). السیاسة الاجتماعية وظاهرة الرهاب داخل المجتمع العراقي. مجلة القادسیة للعلوم الإنسانية ۱(۱۹): ۲۴۴-۲۷۱.
۳۸. مظلوم، زینب علی. (۲۰۱۹). تحلیل جغرافی سیاسی لمؤشرات الحکم الرشید دراسة تطبیقیة علی العراق. رساله ماجستیر، جامعة المنی.
۳۹. مهدی حسن، حسین (۱۴۰۰ه.ش). تحلیل روند هزینه های دولت در رفاه اجتماعی در عراق برای دوره ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹. پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه.
۴۰. نجم نجم، عونى الیاس (۱۴۰۲ه.ش). تاثیر سیستم فدرال بر اصل حاکمیت دولت - عراق به عنوان یک مدل. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب.

41. Abdalaa, A. K., & jabbar Naima, S. (2023). Relationship analysis Between government spending and economic stability in Iraq for the period (2004-2020). *Czech Journal of Multidisciplinary Innovations*, 16, 34-50.
42. Abdullah, S., Gray, T., & Clough, E. (2018). Clientelism: factionalism in the allocation of public resources in Iraq after 2003. *Middle Eastern Studies*, 54(4), 665-682.
43. Arulrajah, A. (2016). "Literature review on good governance in the organizations through human resource management". A corporate level analysis *International Business Research* 1(2): 12-99.
44. Addink, H. (2019). *Good governance: Concept and context*. Oxford University Press.
45. Abdullah, S. M. (2019). Corruption protection: Fractionalization and the corruption of anti-corruption efforts in Iraq after 2003. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 46(3), 358-374.
46. Breede, H. C. (2017). *The Idea of Failed States: Community, Society, Nation, and Patterns of Cohesion*. United Kingdom: Routledge.
47. Bekheet, H. N. (2021). Role of Good Governance In Nation-Building: A Case of Iraq. *Akkad Journal of Contemporary Management Studies*, 1(3), 147-163.
48. Emara, N., & Jhonsa, E. (2014). Governance and economic growth: The case of Middle Eastern and North African countries. *Governance and Economic Growth: The Case of Middle East and North African Countries*, 47-71.
49. Gunter, F. R. (2021). *The Political Economy of Iraq: Restoring Balance in a Post-Conflict Society*. United Kingdom: Edward Elgar Publishing.
50. Hassan, A. M. (2024). The impact of corruption on the human security of societies in transition (Iraq case study since 2003).